

بسم الله الرحمن الرحيم

تزکیه نفس از علم و حکمت بالاتر است

این آیه که خوانده می‌شود از آیاتی است که در بیان آن می‌شود مفصل صحبت کرد، لکن من یک نکته را عرض می‌کنم و می‌گویم: خداوند فرموده است: «لقد من الله علی المؤمنین اذین هم رسولاً من انفسهم ینزلوا علیهم آیات و نزلناهم و یملئهم الکتاب والحکمة»^۱ خداوند به مومنین منت گذاشته که از خودشان کسی را فرستاد که آیات الهی را بر آنها تلاوت کند. تلاوت آیات برای تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت است. تزکیه را مقدم ذکر فرموده است، معلوم می‌شود تزکیه نفس از علم و حکمت بالاتر است، همین طور هم هست. اگر افراد یک ملت تزکیه و تربیت شده باشند، آن ملت پیشرو است، اگر سران قوم، آنهایی که کیبورد را اداره می‌کنند نفس‌شان تزکیه و تربیت شده بود، نه آن گرفتاری‌ها برای ملت پیش می‌آید و نه برای خودشان. منتهای تمام این گرفتاری‌ها در همه جا این است که آنهایی که عهده‌دار امور ملت هستند تزکیه نشده‌اند. یک نفر آدمی که تزکیه نشده، اگر بزرگ ملت سلطه پیدا کند اینهمه گرفتاری‌هایی را که در طول پست‌ها و پنج سال برای ملت ما پیش آمد بوجود می‌آورد. کسی که بر ملتی سلطه و حکومت دارد اگر یک نفر عدالت‌پرور باشد دینگاه او عدالت‌پرور خواهد شد، قشرهایی که به او مربوطند نهواً به عدالت‌گرایی پیدا می‌کنند. تمام اداری که تابع آن حکومت است خواه ناخواه به عدالت‌گرایی پیدا می‌کند. اگر همه ملت تزکیه بشوند همین دنیا بهشت آنهاست و تمام گرفتاری‌ها از بین می‌رود.

مفاسد و مصالح از حکومت‌ها و سران آن سرچشمه می‌گیرد. از طرف دیگر چون اشخاصی در رژیم طاغوتی بر مردم حکومت کردند اشخاص تزکیه شده‌ای نبودند و مشخص اول مملکت اخلاق و عقاید و اعمالش تزکیه نشده بود، مملکت را به هلاکت کشاندند. رضاخان خودش سرچشمه تمام مقابله بود. در پاریس که بودیم یک نفر آمد پیش من و از کسی نقل کرد که او گفته اگر در ایران پنج نفر فاسد بشود این محمدرضا روی هر پنج نفر انگشت می‌گذارد و به طرف خودش جلبشان می‌کند. آن اشخاصی که پاک نیستند و با تزکیه شده‌ها سر و کار ندارند، نمی‌روند سراغ اشخاص امین. آدمی که خودش امین نیست می‌رود سراغ اشخاصی که نظیر خودش

باشند. و لهذا مفساد و مصالح از حکومت‌ها سرچشمه می‌گیرد. حکومت عدل تمام مصالح کشور را تأمین می‌کند و حکومت ظلم تمام بدبختی‌ها را برای یک ملتی ایجاد می‌کند.

دامن مادران می‌تواند مبداء خیر یا مبداء شر باشد

لذا در آیه شریفه تزکیه مقدم است. انبیا آمده‌اند که انسان بسازند، انبیا مامورند که افرادی را که بشر هستند و با حیوانات فرق ندارند، اینها را انسان کنند، تزکیه کنند. شغل انبیا همین است، باید شغل مادرها هم همین باشد نسبت به بچه‌هایی که در دامنشان است، و با اعمالشان آنها را تزکیه کنند. در دامن مادر، بچه‌ها بهتر تربیت می‌شوند تا در پیش استادان. علاقه‌ای که بچه به مادر دارد به هیچ کس ندارد و آن چیزی که در بچگی از مادر می‌شنود در قلبش نقش می‌بندد و تا آخر همراهش است. مادرها باید توجه به این معنی کنند که بچه‌ها را خوب تربیت کنند، پاک تربیت کنند، دامن‌هایشان یک مدرسه علمی و ایمانی باشد، و این یک مطلب بسیار بزرگی است که از مادرها ساخته است و از کسی دیگر ساخته نیست. آنقدری که بچه از مادر چیز می‌شنود از پدر نمی‌شنود، آنقدری که اخلاق مادر در بچه کوچک نوری تاثیر دارد و به او منتقل می‌شود از دیگران عملی نیست. مادرها مبداء خیرات هستند و اگر خدای نخواستہ مادرانی باشند که بچه‌ها را بد تربیت کنند مبداء شرند. یک مادر ممکن است یک بچه را خوب تربیت کند و آن بچه یک امت را نجات بدهد، و ممکن است بد تربیت کند و آن بچه موجب هلاکت یک امت بشود. مع الوصف در طول این سلطنت، اینها کوشش کردند که مادران را از بچه‌ها جدا کنند، به مادرها تزریق کردند که بچه‌داری چیزی نیست، شما سوی ادارات بیایید. و اینها بچه‌های معصوم را جدا کردند از دامن مادران و بردند در پرورشگاه‌ها و جاهای دیگر، و اشخاص اجنبی و غیر رحیم آنها را به تربیت فاسد تربیت می‌کردند. بچه‌ای که از مادرش جدا شد پیش هر که باشد عقده پیدا می‌کند، عقده که پیدا کرد مبداء بسیاری از مفساد می‌شود. بسیاری از قتل‌هایی که واقع می‌شود از روی همین عقده‌هایی است که پیدا می‌شود، و بسیاری از عقده‌ها از این پیدا می‌شود. در همین کاری که باید معلم و دانشگاه‌ها بکنند، از دامن مادر شروع می‌شود تا برسد به مدارس و بنه دانشگاه‌ها و به جاهای دیگر. اگر از دامن مادر این تربیت خوب شروع شد و مادر بچه را خوب تربیت کرد و به دبستان تحویل داد، دبستان هم خوب تربیت کرد و به دبیرستان تحویل داد آنجا هم همین طور، تا دانشگاه یا مدارس علمی دیگر، آنها هم خوب تربیت کردند، یک وقت در یک برهه از زمان می‌بینید که جوان‌ها همه خوب از کار درآمدہ‌اند و یک مملکت را به طرف خوبی می‌کشانند.

تمام مبارزه رژیم شاه با تزکیه و رشد انسانی جوان‌ها بود

رژیم خائن سابق جدیت کرد که با همه جهات و همه قدرت با تزکیه مبارزه بکند و نگذارند جوان‌های ما صحیح بار بیایند. می‌گویند در تهران در آن زمان شراب فروشی‌ها از کتاب فروشی‌ها بیشتر بوده و حالا انشاء الله دیگر نیست. می‌دانید که چقدر مراکز فساد درست کرده‌اند، مراکزی را که

باید آموزشی باشد به فساد کشیدند مثل سینما، مثل رادیو و مطبوعات. با تمام قوا کوشیدند که نگذارند رشد انسانی پیدا شود. باید این تربیت‌های طاغوتی در جوان‌های ما و در این نسل به تدریج‌های انسانی و اسلامی متحول شود و امید است که از دامن مادرها شروع بشود و به دانشگاه و بالاتر ختم بشود. سعادت یک ملت به این است که سران آن ملت و کسانی که مقدرات آن ملت به دستشان است تزکیه شده باشند. خداوند همه شما را به راه راست هدایت کند و همه ما را خدمتگزار به اسلام و مسلمین قرار بدهد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته